

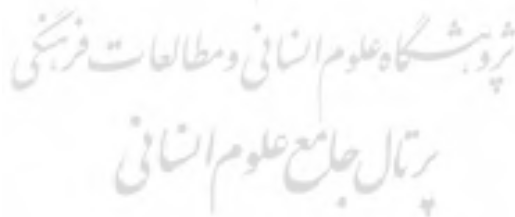
Analyzing speech act patterns in Imam Ali's Nahj al-Balagha

Rasoul Balavi*
Zahra Mahoozi**

Received: 2019/04/22
Accepted: 2019/11/09

Speech Act Theory (SAT) is one of the significant theories in the field of discourse and textual analysis. This theory, which is a branch of the philosophy of language, examines verbs and sentences in different occasions. The Speech Act Theory is presented in five patterns including encouraging, expressive, emotional, commitment-based, and declarative. The main question of this study is: what kind of speech act is presented in Nahj al-Balagha? The aim of this research is to study the political thoughts of Imam Ali based on speech acts. The researcher's approach is a descriptive-analytical one, and content analysis technique is used to analyze the data. The results of this study reveal that all variety of Speech Act has been used by Imam Ali; but encouraging speech act is the most dominant pattern in Imam Ali's political speech in comparison with other speech acts. The reason is that Imam Ali was trying to encourage his agents to do desirable actions or in the shape of obligatory actions for the betterment of the Muslim community, either as a recommendation, a suggestion, or even an alert.

Keywords: Imam Ali, Nahj al-Balagha, Political thoughts, Speech acts.



* Associate Professor of Arabic language and literature at Persian Gulf University, Bushehr, I.R.Iran (Corresponding author). r.ballawy@pgu.ac.ir

** M.S. Student of Arabic language and literature at Persian Gulf University, Bushehr, I.R.Iran. z.mahoozii@gmail.com

کاربست الگوهای تحلیل کنش‌های کلامی

امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۶ روز نزد نویسندگان بوده است.

رسول بلاوی*

زهره ماهوزی**

چکیده

نظریه کنش کلامی یکی از نظریات مطرح در زمینه تحلیل گفتمان و متن‌شناسی است. این نظریه که شاخه‌ای از فلسفه زبان است به بررسی افعال و جملات در موقعیت‌های مختلف می‌پردازد. نظریه کنش کلامی در قالب پنج الگو به صورت ترغیبی، اظهاری، عاطفی، تعهدی و اعلامی مطرح شده و سؤال اصلی این پژوهش آن است که کنش‌های کلامی ارائه شده در نهج‌البلاغه، در بردارنده چه نوع کنشی است؟ هدف از این پژوهش کمک به تبیین هر چه بهتر اندیشه‌های سیاسی حضرت علی علیه‌السلام براساس الگو کنشی است. رویکرد تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا بهره برده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که کنش ترغیبی در گفتار سیاسی حضرت علی‌السلام به نسبت سایر کنش‌ها وجه غالب است. دلیل این بسامد بالا آن است که حضرت علی علیه‌السلام در تلاش بوده کارگزاران جامعه را به سمت و سوی انجام کاری پسندیده و یا در حالت تکلیفی واجب برای هر چه بهتر شدن جامعه مسلمانان خواه به صورت توصیه، پیشنهاد و یا حتی هشدار ترغیب نماید.

واژگان کلیدی: اندیشه سیاسی، جان سرل، علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، کنش کلامی، نهج‌البلاغه.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

r.ballawy@pgu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، جمهوری اسلامی ایران.

z.mahoozii@gmail.com

مقدمه

بیان مسئله: با توجه به نقش سازنده و محوری گفتمان‌ها در شناخت و الگوهای تحلیل اندیشه‌های سیاسی، این موضوع که چگونه می‌توان از این رویکرد تحلیلی در بررسی اندیشه‌های سیاسی در مکتب اسلام بهره برد، به مسئله‌ای مهم در مطالعات اندیشه‌ای تبدیل شده است. حوزه اندیشه سیاسی اسلام نیز از این امر مستثنی نبوده و لذا شاهد طرح این مسئله در متون و نشست‌های تخصصی مختلف هستیم. پژوهش حاضر سعی دارد با اتخاذ الگوی تحلیلی کنش کلامی و تمرکز بر متون معتبر اسلامی، به این مسئله بپردازد.

اهمیت: با توجه به اینکه الگوی تحلیل کنش کلامی به درک معانی پنهان متن کمک می‌نماید، می‌توان چنین اظهار داشت که پژوهش حاضر دارای اهمیت نظری بوده و تقویت اندیشه سیاسی اسلامی را در پی دارد.

ضرورت: از آنجا ظرفیت بالای فکری متون دینی کمتر مورد تحلیل تخصصی قرار گرفته، شاهد غلبه نسبی رویکردهای غیربومی در این حوزه هستیم. این در حالی است که اصلاح الگوهای رفتاری در گرو رجوع تحلیلی و تخصصی به متون مرجع است. با این توضیح مشخص می‌شود که پژوهش حاضر هم دارای ضرورت نظری بوده و هم ضرورت کاربردی داشته و از طریق کمک به اصلاح الگوهای رفتاری این نقش را ایفا می‌نماید.

اهداف: هدف اصلی از این تحقیق تقویت گفتمان سیاست اسلامی مبتنی بر اندیشه سیاسی حضرت علی علیه‌السلام است. در این خصوص تبیین ظرفیت تخصصی بالای نهج‌البلاغه در حوزه مدیریت سیاسی، تشریح سمت‌گیری‌های اصلی در حوزه سیاست مبتنی بر کلام حضرت علیه‌السلام که به کار مدیران امروز بیاید، از اهداف فرعی‌ای است که دنبال می‌شود.

سؤال‌ها: پرسش از انواع الگوهای کنش‌های کلامی در نهج‌البلاغه، سؤال اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. در این ارتباط سؤال از چیستی کنش کلامی، و الگوی کنش کلامی غالب در حوزه سیاسی به عنوان پرسش‌های فرعی مطرح شده‌اند.

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با الگوهای کنش کلامی و اندیشه سیاسی پژوهش‌های متعددی منتشر شده که با توجه به رویکرد مقاله حاضر می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۱-۱. پژوهش‌هایی که به مستندسازی کنش کلامی با نگاهی زبان‌شناسانه همت گمارده‌اند. در این آثار نویسندگان از منظر صرفاً زبان‌شناسانه به تحلیل کنشهای کلامی پرداخته‌اند. برا مثال می‌توان به جمشیدی و کاظمی (۱۳۹۵) اشاره داشت که تحلیل آگهی‌های بازرگانی را در دستور کار داشته‌اند. سلیم‌زاده (۱۳۹۰) و عطارزاده (۱۳۹۷)، در متون ادبی ایران این بررسی را انجام داده‌اند. اما پهلوان‌زاده و اصطهباناتی (۱۳۸۵) متون سیاسی و دیدگاه‌های دولتمردان را برای تحلیل برگزیده‌اند. درخشه (۱۳۸۵) نیز متون متفکران مسلمان و شیعی را مورد تحلیل کلامی قرار داده است. از همین منظر کلام امام حسین علیه‌السلام مورد تحلیل واقع شده است (ایشانی و دلیر، ۱۳۹۵). در مجموع این آثار از حیث شناخت رویکرد و تحلیل روش خوبی است، اما به مضمون اندیشه و کلام امام علی علیه‌السلام نپرداخته‌اند.

۱-۲. آثاری که به کاربست الگوی تحلیل کنش کلامی در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. کاوه نوش‌آبادی (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود بر اساس الگوی پنج‌گانه جان سرل به تحلیل و تفسیر پاره‌گفتارهای حضرت پرداخته است (کاوه نوش‌آبادی، ۱۳۹۷). در مقاله «ناسازواری کلامی در نهج‌البلاغه» نویسندگان سخنان حضرت علی علیه‌السلام و نوع زبان‌آوری ایشان را از منظر ناسازواری کلامی - واژگانی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند (کیخا و بهروزی، ۱۳۹۸). مقاله «بررسی منظورشناختی افعال کنشی و قطعی در نهج‌البلاغه» از علی قهرمانی و رضا تواضعی، (۱۳۹۶)، به بررسی منظورشناختی کنش‌های کلامی انشایی و اخباری فرازهایی از چند خطبه و نامه پرداخته است (قهرمانی و تواضعی، ۱۳۹۶). از میان پژوهش‌هایی که در زمینه کنش کلامی و نهج‌البلاغه صورت گرفته، هیچ کدام به بررسی مفاهیم سیاسی بر اساس الگوهای کنش‌های کلامی در نهج‌البلاغه نپرداخته و وجه تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌های پیشین در تبیین مفاهیم سیاسی نهج‌البلاغه اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بر اساس

الگوی پنج‌گانه تحلیل کنش کلامی می‌باشد.

۲. چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

۲-۱. کنش کلامی

زبان یک پدیده اجتماعی زنده است و شناخت و تبیین ارتباط تنگاتنگ آن با علمی که انجام می‌گیرد، نیازمند واکاوی دقیق و جزئی‌نگر در لایه‌های زیرین و عمیق کلام برای کشف ناگفته‌های متن و تولید ساختاری جدید در بخش‌های مختلف زبانی است. از میان همه مسائل مطرح در نظریه عمومی کاربرد زبان، نظریه «کنش کلامی» بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است (Levinson, 1997, p. 226) این نظریه با قرار دادن زبان در بافت کنش انسانی و تحقیق درباره کارکرد و هدف‌های کنش انسانی از طریق جمله‌ها درصدد تحلیل جامع از نقش راهبردی زبان و شیوه برقراری ارتباط است.

نظریه کنش کلامی به قلمرو حوزه فلسفه زبان تعلق دارد. فلسفه زبان شاخه‌ای از فلسفه است که جنبه‌های عام و کلی زبان را توصیف و تبیین می‌کند (Searl, 1999, pp. 21-20). به طور کلی، این نظریه به نقش‌های فعل و به دنبال آن، نقش جمله در فرایند گفتمان می‌پردازد. نخستین کسی که به این موضوع پرداخت آستین^۱ چهره انگلیسی‌تبار و مطرح فلسفه زبان بود. وی نظریه یاد شده را در دهه‌های ۱۹۳۰ ارائه کرد و بعدها آن را در مجموعه سخنرانی‌هایی که در دانشگاه هاروارد با نام ویلیام جیمز^۲ برگزار می‌شد، در سال ۱۹۵۵ گسترش داد. آستین در این نظریه، مطرح نمود که مقدار قابل توجهی از گفتار و نوشتار ما یا عین عمل هستند و یا بخشی از عمل ما می‌باشند. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی هستند که آن‌ها را افعال کنشی می‌نامیم (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۸).

آنچه که آستین را به تدوین نظریه «کنش کلامی» واداشت، مخالفت وی با سفسطه‌ای بود که در دیدگاه «پوزیتیویسم منطقی»^۳ نسبت به مسئله معناداری مطرح شده بود. بر اساس آن سفسطه، تنها کارکرد فلسفی زبان، ساختن جمله‌های صادق یا کاذب بود؛ اثبات‌گرایان^۴ مدعی بودند اگر نتوان جمله‌ای را در اساس، به لحاظ صدق و کذب مورد ارزیابی قرار داد، آن جمله بی‌معناست (Levinson, 1983, p. 227)؛ بنابراین آستین، به سبب تلاش‌های فراوان در مقابله با آن‌ها و ارائه الگویی مناسب در این خصوص، بنیان‌گذار این نظریه قلمداد می‌شود. وی پس از بررسی و مطالعه بسیار در

این حوزه، در نهایت سه سطح متفاوت از افعال کنشی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد، ارائه نمود:

- الف. کنش کلامی^۵: اظهار عبارت‌هایی که معنا و مصداق ندارند؛
 - ب. کنش منظوری^۶: گوینده از اظهارات خود مقصود خاصی دارد؛
 - پ. کنش تأثیری^۷: کلام معنادار در شنونده تأثیر خاصی می‌گذارد (پایا، ۱۳۸۳: ص. ۴۴۰).
- نظریه آستین به رغم تلاش‌های بی‌شائبه وی در این خصوص، با اشکالاتی روبرو بود. از این رو تلاش‌های زیادی پس از آن، جهت اصلاح دیدگاه آستین و ارائه تقسیم‌بندی مناسب‌تری برای آن انجام گرفت؛ مهم‌ترین آن‌ها که با مقبولیت بیشتری نسبت به بقیه مواجه شد تقسیم‌بندی سرل بود.

۲-۲. سیاست

سیاست متعارف علم قدرت است؛ به این معنا که چگونه می‌توان قدرت را کسب، حفظ و افزایش داد؟ سیاست در گسترده‌ترین معنای خود، فعالیتی است که مردم از طریق آن قواعد کلی زندگی خود را تعیین، حفظ و اصلاح می‌کنند (هیوود، ۱۳۸۹، ص. ۹). البته در گفتمان اسلامی دیدگاه متفاوتی درباره چستی سیاست طرح شده که بر مبنای سعادت جمعی تا قدرت و منفعت‌طلبی قرار داده است (افتخاری، ۱۳۸۴، صص. ۷۰-۷۸).

۳-۲. نظریه تحلیل الگوهای کنش کلامی

جان سرل^۸ معتقد است مطالعه کنش گفتاری مبتنی بر ظرفیت‌های اساسی ذهن است که از رهگذر حالت‌های ذهنی همچون باور، تمایل، نظایر و به ویژه از طریق عمل و ادراک آن، رابطه ارگانسیم را با جهان برقرار می‌کند (Searle, 1983, p. 7). در الگویی که سرل ارائه کرده اطلاعاتی که توسط افعال و جمله‌های معادل آن‌ها تبادل می‌شود مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تفاوتی که او در نظریه آستین ایجاد کرد این بود که دسته‌بندی پنج‌گانه صریحی از افعال برای تعیین گفتارها و پاره‌گفتارها ارائه نمود. دسته‌بندی‌ای که سرل از کنش‌های گفتار در قالب پنج طبقه مطرح کرده از این قرار است: «کنش اظهاری^۹، کنش ترغیبی^{۱۰}، کنش عاطفی^{۱۱}، کنش تعهدی^{۱۲} و کنش

اعلامی^{۱۳}». این پنج الگوی کنش گفتاری ارائه شده از سوی سرل به «پنج‌گانه سرل» معروف است. طبقه‌بندی سرل مؤثرترین طبقه‌بندی ارائه شده تاکنون است؛ زیرا طبقات به هیچ وجه انحصاری نیستند به گونه‌ای که یک پاره‌گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را در برداشته باشد (Vershueren, 2003, p. 24).

۲-۳-۱. کنش ترغیبی

به آن دسته از کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حالت تکلیفی واجب برای انجام عملی قرار می‌دهد. در واقع؛ گوینده تلاش می‌کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌ای که شامل عمل آتی شنونده است تطبیق دهد (Yule, 1996, p. 54). به عنوان مثال عبارت‌های «لطفاً آشغال نریزید» و «مبادا این غذا را مصرف کنید» دارای کنش ترغیبی است. این کنش، خواست‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها و درخواست‌ها مشاهده کرد. افعال کنش ترغیبی شامل: خواستن، هشدار دادن، به مبارزه طلبیدن، تکرار کردن، دوباره راه انداختن، اخطار دادن، به مبارزه طلبیدن، توصیه کردن، شرط گذاشتن، نصیحت کردن، التماس و تمنا کردن است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص. ۶۸).

۲-۳-۲. کنش تعهدی

کنشی که دربردارنده تعهدی برای انجام عملی در آینده باشد، در این نوع از کنش‌های گفتاری قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، گوینده با کاربست چنین کنشی در کلام خویش، تعهد می‌کند کاری را در آینده انجام دهد. افعال چنین کنشی عبارتند از: قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن، تضمین کردن، موافقت کردن، متعهد شدن، داوطلب شدن و غیره. مثال: «او سوگند خورد به همسرش وفادار بماند» (ایشانی و دلیر، ۱۳۹۵، ص. ۷).

۲-۳-۳. کنش اظهاری

هدف از این کنش توصیف حالت یا حادثه‌ای که گوینده عقیده خود را درباره درستی و نادرستی یک مطلب اظهار می‌کند. این کنش، تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره

مطرح شده نشان می‌دهد برای نمونه، در جمله «من به این نتیجه رسیدم که فرشته فارغ‌التحصیل نشده است»، گوینده سعی می‌کند بر صحت این امر که فرشته فارغ‌التحصیل نشده است، تأکید کند (صفوی، ۱۳۸۷، ص. ۸۲). گفتنی است افعال کنش‌های اظهاری شامل تأیید کردن، دلیل آوردن، معرفی کردن، توصیف نمودن، ابراز کردن، ادعا کردن، بحث کردن، بیان کردن، پاسخ دادن، تصریح کردن، دسته‌بندی کردن، دفاع کردن، گفتن، گزارش دادن و... است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص. ۶۸).

۲-۳-۴. کنش عاطفی

کنش عاطفی نیز شامل کنش‌های هستند که احساسات گوینده را عنوان می‌کنند و بیانگر حالات روانی هستند (Yule, 1996, p. 53). به بیان دیگر، این کنش‌ها بیان حالت روانی گوینده درباره اوضاع و شرایطی است که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. در این نوع کنش گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتی که بیان می‌کند مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون؛ بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان شده بدیهی و مسلّم فرض می‌شود (Searle, 1999, p. 15). «ممنونم»، «از اینکه عزیزتان را از دست دادید متأسفم» عبارتهایی هستند که کنش گفتاری آن‌ها بر عاطفه و احساسات دلالت دارد. از جمله افعال مرتبط با این کنش را می‌توان تبریک گفتن، سپاسگزاری کردن، عذرخواهی کردن، تعجب کردن، تشکر کردن، شکایت کردن، خشمگین شدن، ناسپاسی کردن، ناامید شدن و... عنوان کرد (نجفی ایوکی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۶).

۲-۳-۵. کنش اعلامی

هدف از آن، اعلام شرایط تازه برای مخاطب است. گوینده با اعلام‌های خود تغییرات واقعی ایجاد می‌کند. این کنش همزمان دارای دو وجه انطباقی بین زبان و جهان است. افعال کنش اعلامی زمانی اتفاق می‌افتد که گوینده قدرت و صلاحیت لازم را داشته باشد. افعال کنش اعلامی شامل آغاز کردن کار، پایان دادن کار، انتصاب کردن، به کار گماردن، عقد قرارداد کردن، نام‌گذاری و... مهم‌ترین ابزار تسهیل شناخت است (قهرمانی و تواضعی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷).

۳. روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش می‌توان چنین اظهار داشت که: پژوهش دارای جهت‌گیری توسعه‌ای - کاربردی است؛ زیرا نویسندگان درصدد شناسایی مؤلفه‌های سیاسی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت علی علیه‌السلام در قالب الگوهای کنش کلامی هستند. به عبارت دیگر پژوهشگران رویکردی تحلیلی مبتنی بر ارائه مؤیدات و شواهد در نهج‌البلاغه دارند و برای همین نیازی به تعریف جامعه آماری و یا نمونه نبوده است. بلکه تلاش شده تا قوی‌ترین شواهد مؤید انواع کنش کلامی از نهج‌البلاغه، شناسایی و ارائه گردند. پژوهش در قسمت نخست دارای «رویکرد استقرایی - قیاسی» است. در این قسمت محققان با استفاده از داده‌های جزئی، به یک الگوی جامع کلی دست یافته و در قسمت دوم با بهره‌گیری از الگوی مزبور، اقدام به تحلیل داده‌ها به صورت جزئی نموده‌اند. به منظور تحلیل داده‌ها از روش تلفیقی - اکتشافی استفاده شده است. در این روش، پژوهش‌های کمی و کیفی می‌توانند از طریق ایفای نقش‌های مرتبط - یعنی کشف و تأیید - یکدیگر را تکمیل نمایند (نیازی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰). تلفیق در واقع بیان صریح هر نوع داده کمی و کیفی در مجموعه‌ای از داده‌ها می‌باشد که محقق درک بهتری از پژوهش کسب کند (یوسفی رامندی، ۱۳۹۷، ص. ۷۴). باید خاطر نشان کرد که شاهد مثال‌های موجود از بخش سیاسی خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه استخراج شده و پس از آن شواهدی که با نظریه سرل هماهنگ بوده و میزان جملات کنش کلامی آنها بارزتر است، انتخاب و تحلیل شده‌اند.

۴. ساختار الگوهای کنش کلامی در گفتار سیاسی

مسئله ساختاری و کارگزاری به تبیین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مربوط می‌شود. در واقع مسئله ساختار به این موضوع مربوط می‌شود که اجزای یک تبیین معتبر یا مناسب آثار و پیامدهای سیاسی چیست؟ یا تبیین سیاسی مناسب چه چیزی را دربر می‌گیرد؟ ساختار اساساً به معنای بستر و معطوف به زمینه‌ای است که رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در چارچوب آن شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد (های، ۱۳۸۵، صص. ۱۵۸-۱۵۹). بررسی ساختار عبارت‌های سیاسی در بطن کنش کلامی متفاوت‌تر از بررسی سایر متون در کنش کلامی است. اکثر عبارت‌های سیاسی به صورت تهدید،

هشدار، توصیه و خواسته که در بستر کنش ترغیبی شاخه‌ای از کنش کلامی قرار می‌گیرد و در بیشتر پاره‌گفتارها، عبارت‌های سیاسی به صورت خواهش، التماس و قسم که در بسط کنش تعهدی جای می‌گیرد.

۴-۱. کنش ترغیبی

حضرت علی علیه‌السلام در نامه پنجاه‌وسه نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزَيْرًا... وَالصَّقُّ بِأَهْلِ السَّوْعِ وَالصَّدْقُ؛ ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَى أَلَّا يُطْرُوكَ وَلَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحْدِثُ الزَّهْوَ، وَتُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ»^{۱۵} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، صص. ۱۰۰۸-۱۰۱۰). «أَلَّا يُطْرُوكَ» همزه که در اول فعل آورده شده برای تنبیه و آگاه‌سازی است و حضرت خواسته مالک اشتر را بدین‌وسیله ترغیب کند که آگاه باش اهل صدق، تو را بیش از حد نستایند که زمام کارها از دستت خارج شود؛ بنابراین حضرت در این کلام سیاسی هشدار می‌دهد و توصیه می‌کند و همچنین درخواست می‌کند که ای مالک این‌گونه رفتار کن! و تمام موارد یاد شده از شاخص‌های کنش ترغیبی محسوب می‌شود. همچنین این گفتار در خطوط سیاست حکومت اسلامی و مملکت‌داری به یکی از اصولی که زمامداران باید به یاد داشته باشند «پایبندی به اصول و ارزش‌ها و عدم اتکا به سخنان سخن‌چینان و چاپلوسان» اشاره می‌کند. در ادامه به سایر کنش‌های ترغیبی در گفتار سیاسی نهج‌البلاغه به صورت خلاصه اشاره می‌گردد:

جدول شماره (۱): تعیین کنش‌های ترغیبی در برخی از گفتارهای سیاسی نهج‌البلاغه

ردیف	گفتار	نوع کنش گفتاری	نوع بازخورد سیاسی	توضیحات
۱	پس از بالا رفتن سن و گذراندن عمر، چون چارپای غارت شده بازیچه دست مروان نباش که تو را به هر سو که می‌خواهد، براند! ^{۱۵} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، صص. ۵۵۰).	ترغیبی	استقلال به رأی	(درخواست کردن) / (هشدار دادن)
۲	اگر کسی گفت زکات بدهکار	ترغیبی	اعتماد به مردم	(توصیه کردن)

ردیف	گفتار	نوع کنش گفتاری	نوع بازخورد سیاسی	توضیحات
	نیستم، به او اعتماد کن و دیگر به او مراجعه مکن ^{۱۶} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۸۹۲).			
۳	در نماز با مردم مدارا کنید و چون ضعیفشان نماز بگذارید و فتنه‌گر مباشید ^{۱۷} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۰۰).	ترغیبی	گذشت و مدارا	(توصیه کردن)
۴	پس هرگز از گفتن حرفی حق یا مشورتی دادگرانه در نزد من، خودداری نورزید ^{۱۸} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۷۹۰).	ترغیبی	اصل مشورت در امور	(القا کردن) / (پیشنهاد دادن)
۵	با بخیل رایزنی مکن که تو را از بخشش باز می‌دارد و از نادانی می‌ترسند؛ و نه با ترسو که تو را در کارها ناتوان می‌کند، و نه آزمند که آرزوی ستمگرانه را در چشم تو می‌آراید ^{۱۹} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۰۸).	ترغیبی	نقش مشورت در اداره امور	(توصیه کردن)
۶	با نگاه‌داشتن‌های زبان و تأخیر در اعمال قدرت، مراقبت کن تا خشم فرو نشیند و بتوانی عنان اختیار خود را به کف بگیری و هرگز این تسلط بر خود را استوار و محکم نمی‌کنی مگر اینکه دائماً بازگشت به سوی خداوند را به یاد آوری ^{۲۰} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، صص. ۱۰۴۲-۱۰۴۴).	ترغیبی	اصل آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی	(هشدار دادن) / (اخطار دادن)

از بررسی جدول فوق در کلام سیاسی حضرت علی علیه‌السلام مشخص می‌گردد که ایشان همواره مدیران و مسئولین جامعه را مورد خطاب قرار می‌دهد و آن‌ها با قرار دادن در حالت تکلیفی واجب در انجام عملی خواه به صورت توصیه، پیشنهاد، درخواست و یا هشدار ترغیب می‌نماید. حال آنکه حضرت به مراتب ویژگی‌هایی یک جامعه ایدئال را بیان می‌فرماید و سیاست یکپارچه و منظم را برای کارگزاران تشریح می‌نماید. از جمله ویژگی‌هایی که برای یک مدیر لایق برای مدیریت نظام اداری بیان می‌کند: داشتن استقلال به رأی، اعتماد به مردم، مدارا و صبر در توفیق اداره امور، عدالت‌ورزی، آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی، تأکید بر رعایت احترام بر مردم، مشورت و رایزنی با افراد کاردان است.

۴-۲. کنش تعهدی

حضرت علی علیه‌السلام در خطبه سوم نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّيَّ مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا^{۲۱}» (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۷۸).

در عبارت «وَاللَّهِ» قرار گرفتن واو قسم قبل از نام مبارک «اللَّهِ» اسلوب قسم را تشکیل می‌دهد که از آن جمله «أقسم بالله» استنباط می‌شود و سوگند یاد کردن بر کنش تعهدی دلالت می‌کند. در این گفتار حضرت به آفات بزرگ سیاست یعنی «مسئولیت بدون شایستگی» اشاره می‌کند که چه بسا بسیاری از افرادی که قدرت را در دست می‌گیرند شایستگی‌های لازم را ندارند و نیز افراد شایسته از صفحه حکومت و مملکت‌داری دور هستند. در ادامه به سایر کنش‌های تعهدی در گفتار سیاسی نهج‌البلاغه به صورت خلاصه اشاره می‌گردد:

جدول شماره (۲). تعیین کنش‌های تعهدی در برخی از گفتارهای سیاسی نهج‌البلاغه

ردیف	گفتار	نوع کنش گفتاری	نوع بازخورد سیاسی	توضیحات
۱	ای مردم، به خدا سوگند من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم مگر اینکه پیش از شما خودم به آن عمل می‌کنم ^{۲۲} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۵۸۸)	تعهدی	همسویی سخن و عمل مدیران	(سوگند خوردن)

ردیف	گفتار	نوع کنش گفتاری	نوع بازخورد سیاسی	توضیحات
۲	من به خداوند سوگندی راستین می‌خورم که اگر دریابم که در اموال مسلمانان اندک یا بسیار، خیانت ورزیده‌ای چنان بر تو سخت گیرم... ^{۳۳} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۸۸۲).	تعهدی	نظارت بر کار کارگزاران	(سوگند خوردن)
۳	درستی آنچه را می‌گویم به گردن می‌گیرم و راستی آن را بر عهده دارم ^{۳۴} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۲).	تعهدی	پابندی به عهد و پیمان	(متعهد شدن)

با ارزیابی جدول فوق مشخص می‌گردد که حضرت علی علیه‌السلام برای بیان اصول اساسی سیاست و تأکید بیشتر بر روی سخنان سیاسی خود از اسلوب قسم استفاده نموده که جدیت و استوار بودن سخن خود را به روشنی بیان نمایند. همچنین ایشان «تعهد» در امور مملکت‌داری را یک اصل جهان‌شمول دانسته و تأکید فرموده‌اند که از جمله اصل‌های ضروری است که یک کارگزار حکومتی باید آن را دارا باشد.

۳-۴. کنش اظهاری

حضرت علی علیه‌السلام در خطبه ۸۷ می‌فرماید:

«... أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالتَّقْلِ الْأَكْبَرِ! وَأَتْرَكُ فِيكُمْ التَّقِلَ الْأَصْغَرَ! قَدْرَكَزْتُ فِيكُمْ رَأْيَهُ الْإِيمَانَ، وَوَقَفْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ»^{۳۵} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۲۶۸).

... آیا من در میان شما به (قرآن، این) گرانهای مهین‌تر، عمل نکردم؟ و (خاندان پیامبر، این) گرانهای کهن‌تر را در میانتان وا نهادم؟ من بودم که پرچم ایمان را در میان شما برافراشتم و شما را از حدود حلال و حرام آگاه کردم.

جمع شدن همزه استفهام (أ) و أدات نفی (لم) در جمله باعث پیدایش استفهام انکاری در جمله شده که خود یکی از آرایه‌های ادبی در فرمایشات حضرت علی علیه‌السلام و مقصود از آن نفی مطلب مورد سؤال می‌باشد. بنابراین این کنش اظهاری است. این گفتار

به اصل اساسی سیاست در حکومت اسلامی یعنی التزام و پایبندی به قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله که دو اصل جدایی‌ناپذیر است اشاره دارد. در ادامه به سایر کنش‌های اظهاری در گفتار سیاسی نهج‌البلاغه به صورت خلاصه اشاره می‌گردد:

جدول شماره (۳): تعیین کنش‌های اظهاری در برخی از گفتارهای سیاسی نهج‌البلاغه

ردیف	گفتار	نوع کنش گفتار	نوع بازخورد سیاسی	توضیحات
۱	کاری از تو را به من گزارش کرده‌اند که اگر کرده باشی، خدای خویش را به خشم آورده‌ای و از امام خویش، نافرمانی کرده‌ای ^{۳۶} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴: ص. ۹۷۲).	اظهاری	نظارت بر کار کارگزاران	(گزارش دادن)
۲	مردم را زمامدار بباید، خواه نیکوکار یا تبه‌کار تا مؤمن در سایه حکومت او به کار خود پردازد و کافر از زندگی خود بهره‌مند باشند ^{۳۷} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۲).	اظهاری	انتخاب مدیری شایسته	(توصیف کردن)

از بررسی جدول کنش‌های اظهاری به این رهیافت خواهیم رسید که حضرت علی علیه‌السلام دریافت گزارش‌هایی از جانب ناظران و نظارت بر عملکرد کارگزاران و مسئولین که از ویژگی‌های یک مدیر شایسته می‌باشد را به مراتب دنبال می‌نموده‌اند. همچنین ایشان مدینه فاضله‌ای را توصیف کرده‌اند که به درک بهتر سخنان سیاسی خود برای کارگزاران حکومتی و چگونگی انجام صحیح امور مملکت‌داری کمک نمایند.

۴-۴. کنش عاطفی

حضرت علی علیه‌السلام در خطبه معروف به غراء می‌فرمایند:

«أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ وَ سَوَابِغِ نِعْمِهِ... وَأَتْرَأَكُم بِالنَّعْمِ السَّوَابِغِ وَالرِّقْدِ الرَّوَافِعِ»^{۳۸}
(علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، صص. ۲۳۶-۲۳۷).

در زبان عربی فعل «أَحْمَدُهُ» بر اسلوب تشکر و سپاسگزاری ایراد شده است، و

سیاق جمله نیز بر خشنود کردن دلالت می‌کند که هر دو مورد کنشی عاطفی را القا می‌کنند. این گفتار حامل مفهوم «تأکید حضرت امام در تأمین زندگی و امنیت کاری کارکنان توسط زمامدار» می‌باشد. حضرت به مالک اشتر فرمان می‌دهد که رزق و روزی کارکنان را فراخ، نعمت و آسایش را در حق آنان کامل سازد. در ادامه به سایر کنش‌های عاطفی در گفتار سیاسی نهج‌البلاغه به صورت خلاصه اشاره می‌گردد:

جدول شماره (۴): تعیین کنش‌های عاطفی در برخی از گفتارهای سیاسی نهج‌البلاغه

ردیف	گفتار	نوع کنش گفتاری	نوع بازخورد سیاسی	توضیحات
۱	اما از آن روی اندوهگینم که کم‌خردان و تبه‌کاران امت، سرپرست امور این مردم شوند ^{۲۹} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۶۲).	عاطفی	بر سرکار آمدن ناهلان	(اظهار تأسف کردن)

از بررسی جدول فوق مشخص می‌گردد که حضرت علی علیه‌السلام از به دست گرفتن زمام امور توسط تبه‌کاران و از بر سرکار آمدن ناهلان که نتیجه جز ویرانی امت اسلامی ندارد اظهار تأسف نموده و همواره در تلاش بوده است که از ورود این گونه افراد در امور حکومتی و مملکتی جلوگیری نمایند. ایشان همچنین کارگزاران خود را از نزدیک شدن و معاشرت با این گونه افراد بشدت سرزنش نموده‌اند.

۴-۵. کنش اعلامی

در نامه سیزدهم حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«وَقَدْ أَمَرْتُ تَعْلِيكُمَا وَعَلَى مَنْ فِي حَيْزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فَاسْمَعَا لَهُ وَأَطِيعَا، وَاجْعَلَاهُ دَرْعًا وَمِنْجًا، فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يُخَافُ وَهَنْهُ وَلَا سَقَطَتْهُ وَلَا بُطُوهُ عَمَّا إِسْرَاعُ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ، وَلَا إِسْرَاعُهُ إِلَيَّ مَا الْبُطُءُ عَنْهُ أَمْثَلُ^{۳۰}» (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۸۷۲).

در این جمله «وَقَدْ أَمَرْتُ تَعْلِيكُمَا» فعل «أَمَرْتُ عَلِيَّ» بر گماشتن و انتصاب کردن ایراد شده که هر دو بر کنش اعلامی دلالت می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام در این عبارت

مالک اشتر را به عنوان فرماندار مصر گمارده‌اند. این گفتار سیاسی بر معیارگرایی در ارزشیابی دلالت می‌کند. همان‌گونه که دلشاد تهرانی در کتاب خود می‌گوید: «از جمله معیارهای مهم در ارزشیابی مدیران و مسئولان نظرخواهی از مردم و افراد تحت سرپرستی آنان است. در واقع نوع قضاوت مردم و افراد تحت سرپرستی مدیران و مسئولان نشان‌دهنده نوع عملکرد و میزان توفیق و عدم توفیق ایشان در اداره امور و سیر به سوی اهداف تعیین شده است» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷، ص. ۳۴۲). در ادامه به سایر کنش‌های اعلامی در گفتار سیاسی نهج‌البلاغه به صورت خلاصه اشاره می‌گردد:

جدول شماره (۵): تعیین کنش‌های اعلامی در برخی از گفتارهای سیاسی نهج‌البلاغه

ردیف	گفتار	نوع کنش گفتاری	نوع بازخورد سیاسی	توضیحات
۱	بدان ای مالک! که تو را به کشوری فرستاده‌ام که پیش از تو بر آن حکومت‌های دادگر و ستمگر بسیار برگزیده‌اند ^{۳۱} (علی ابن ابی طالب علیه‌السلام، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۰۲).	اعلامی	معیارگرایی در ارزشیابی	(انتصاب کردن) / (به کار گماردن)

با بررسی جدول فوق مشخص گردید که حضرت علی علیه‌السلام، مالک اشتر را به عنوان کارگزار حکومتی مصر گمارده و ایشان را یک مدیر شایسته برای هدایت یک دولت اسلامی وصف نموده است. همچنین حضرت به مالک گوشزد نموده است که مبادا غرور تو را بفریبد و با عملکرد ناپسند، تخم ظلم و ستم را در تمامی سرزمین مصر پراکنده کنی. حضرت علی علیه‌السلام برای مالک تشریح می‌نماید که قبل از تو دولت‌های بزرگ دادگر و ستمگر فراوانی در این کشور حضور داشتند که همگی آن‌ها نابود شدند.

نتیجه‌گیری

کتاب نهج البلاغه آکنده از اندیشه‌های سیاسی امام علی علیه‌السلام است و از گفتارهای آن می‌توانیم به چندین نوع از الگوهای کنش کلامی بر اساس نظریه سرل دست یابیم؛ به عنوان نمونه در یک گفتار سیاسی می‌توان کنش ترغیبی، تعهدی، اعلامی، عاطفی و اظهاری را مشاهده کنیم. در تحلیل‌های صورت گرفته در مقاله حاضر، به نتایج زیر دست یافته‌ایم:

اول. غالب الگوهای کنش کلامی در شاهد مثال‌های سیاسی پژوهش حاضر بر محوریت الگوی زبانی کنش ترغیبی می‌چرخد، پس از آن شاهد مثال‌های الگوی کنش تعهدی بیشتر می‌باشد. سایر الگوهای کنش کلامی نیز به مراتب از شاهد مثال‌های کمتری برخوردار هستند.

دوم. از مهم‌ترین علل غالب شدن الگوی کنش ترغیبی در شاهد مثال‌های موجود این است که که بیشتر مخاطبان حضرت علی علیه‌السلام، مدیران و کارگزاران جامعه به ویژه مالک اشتر بوده و سخنان خود را به صورت درخواست، توصیه و نکاتی که لازمه اداره یک حکومت اسلامی کامل است، بیان نموده‌اند. به همین دلیل است که الگوی کنش ترغیبی الگوی غالب در این پژوهش می‌باشد.

سوم. همچنین می‌توان اذعان داشت از عمده دلایل عدم استفاده الگوهای کنش اظهاری، عاطفی و اعلامی در شاهد مثال‌های موجود در سخنان سیاسی حضرت علی علیه‌السلام به این خاطر می‌باشد که حضرت در سخنان سیاسی خود به میزان کمتری از تعجب کردن، ادعا کردن، نام گذاردن، عقد قرارداد، دشنام دادن و اهانت کردن استفاده کرده‌اند. به طور معمول تمام موارد یاد شده در ابعاد سیاسی قرار نمی‌گیرد.

چهارم. سخنان سیاسی بررسی شده در برخی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه در اکثر موارد حول محوریت عدالت، رعایت حقوق کارگزاران از جانب مدیران، مدیریت صحیح نظام اداری، رعایت حقوق مردم از جانب کارگزاران، توزیع عادلانه ثروت و منابع در میان تمامی احاده ملت، تنبیه، مجازات، تشویق و انتخاب مدیر شایسته قرار دارد.

یادداشت‌ها

1. Austin
 2. William James
 3. Logical Positivism
 4. Positivists
 5. Locutioary Act
 6. Illocutionary Act
 7. Prelocutionary
 8. John Searle
 9. Representative / Asserive Act
 10. Directive Act
 11. Commissive Act
 12. Expressive Act
 13. Declarative Act
۱۴. بدترین وزیران تو آناند که پیش از تو وزیر اشرار بوده‌اند... با پارسایان و صادقان بیامیز، اما آنان را عادت ده که در مدح تو زیاده‌روی نکنند و تو را به کاری که نکرده‌ای، بیجا نستايند، چرا که زیاده‌روی در مدح، خودپسندی می‌آورد و آدمی را به غرور نزدیک می‌گرداند.
۱۵. فَلَا تَكُونَنَّ لِمُرْوَانَ سَبْقَةً يَسُوقُكَ حَيْثُ شَاءَ بَعْدَ جَلَالِ السَّنَوَاتِ قَضَى الْعُمُرِ.
۱۶. فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ؛ لَأُ، فَلَا تُرَاجِعْهُ.
۱۷. وَصَلُّوا بِهِمْ صَلَاةَ أضعفهم، وَلَا تَكُونُوا فِتْنَانِ.
۱۸. فَلَا تَكْفُوا عَن مَقَالَةٍ بِحَقٍّ، أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَلِ.
۱۹. وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بِخِيَالًا يَعْدِلُ بِكَ عَن الْفَضْلِ، وَيَعِدُكَ الْفَقْرَ، وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَلَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ.
۲۰. مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ، وَتَأْخِيرِ السَّطْوَةِ، حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْإِخْتِيَارَ؛ وَلَنْ تَحْكُمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْتَبِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ.
۲۱. سوگند به خداوند، فلانی پیراهن خلافت را به تن کرد در حالی که می‌دانست جایگاه من به آن، چون جایگاه میله محور، به سنگ آسیاب است.
۲۲. أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا.
۲۳. وَإِنِّي أَقْسِمُ قَسَمًا صَادِقًا، لَنْ بَلِّغَنِي أَنْكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ....
۲۴. ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيئَةً، وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ... وَاللَّهِ مَا كَتَمْتُ وَشَمَمْتُ، وَلَا كَذَبْتُ كِذْبَةً.

۲۵. سوگند به خداوند، فلانی پیراهن خلافت را به تن کرد در حالی که می‌دانست جایگاه من به آن، چون جایگاه میله محور، به سنگ آسیاب است.
۲۶. بَلَّغْنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ إِلَهَكَ، وَعَصَيْتَ إِمَامَكَ.
۲۷. وَإِنَّهُ لَأُبَدُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ.
۲۸. او را می‌ستایم که بخشش‌هایش پیاپی و نعمت‌هایش فراگیر است... (از میان آفریدگان) شما را برای نعمت‌های کامل و عطایای فراوان اختیار نموده است.
۲۹. وَلَكِنِّي آسَى أَنْ يَلِيَّ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا.
۳۰. و مالک بن حارث اشتر را فرمانده شما دو تن و هر کس که زیر فرمان شماست، قرار داده‌ام. به فرمان او گوش فرا دهید و از او فرمانبرداری کنید؛ و او را چون زره و سپر خود بدانید؛ زیرا او از کسانی است که نه بیم سستی در وی می‌رود و نه بیم لغزش. آنجایی که شتاب، دوراندیشانه‌تر است، بیمی از کندی او نیست و آنجا که کندی، پسندیده می‌نماید، از شتاب وی بیمی نمی‌رود.
۳۱. اَعْلَمُ يَا مَالِكُ أَنِّي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُولٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلِ وَجَوْرِ.

کتابنامه

- امام علی علیه‌السلام (۱۳۹۴). *نهج‌البلاغه* (سیدعلی موسوی گرمارودی، مترجم). تهران: مؤسسه انتشارات قدیانی.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی تحلیل‌گفتمان و کاربردشناسی*. تهران: نشر علمی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «شرعی‌سازی سیاست»، *دانش سیاسی*، ۲(۴)، ۶۹-۱۰۲.
- ایشانی، طاهره و دلیر، نیره (۱۳۹۵). «تحلیل کنش‌گفتاری خطبه امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا»، *فصلنامه لسان‌مبین*، ۸(۲۵)، ۱-۲۳.
- پایا، علی (۱۳۸۳). *فلسفه تحلیلی؛ مسائل و چشم‌اندازها*. تهران: طرح نو.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و اصطهباناتی، لیدا (۱۳۸۷). «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۵۱(۲۰۸)، ۱-۲۲.
- جمشیدی، سپیده و کاظمی، فروغ (۱۳۹۵). *نظریه کنش‌های گفتاری در فارسی و انگلیسی*. تهران: نشر داستان.
- درخشه، جلال (۱۳۸۵). «بازسازی اندیشه دینی و تأثیر آن بر گفتمان سیاسی شیعه در ایران

- معاصر (با تأکید بر دیدگاه شهید مطهری)، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی. ۴۱(۳)، ۱۱۸-۱۴۱.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۷). *اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی علیه‌السلام*. تهران: خانه اندیشه جوان.
- زرقانی، سیدمهدی و اخلاقی، الهام (۱۳۹۱). «تحلیل ژانر سطح بر اساس نظریه کنش گفتار»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات عرفانی*. ۳(۶)، ۸۱-۶۰.
- سلیم‌زاده، مهدیه (۱۳۹۰). *کنش کلامی و دگرذیسی در ساختار روایت (کلیده و دمنه و انوار سهیلی)*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی (چاپ سوم)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- عطارزاده، محمد (۱۳۹۷). «بررسی کاربرد انواع کنش‌های گفتاری در غزلیات حافظ»، *نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی*. زاهدان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان: https://www.civilica.com/Paper-AEPL01-AEPL01_005.html
- قهرمانی، علی و تواضعی، رضا (۱۳۹۶). «بررسی منظورشناختی افعال کنشی و قطعی در نهج‌البلاغه»، *فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه*. ۱۶(۳)، ۳۲-۹.
- کاوه‌نوش آبادی، علیرضا (۱۳۹۷). *تحلیل متن‌شناسی نهج‌البلاغه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل (مطالعه مورد پژوهانه: خطبه‌های شقشقیه، اشباح و قاصعه و نامه‌های امام علی علیه‌السلام به امام حسن علیه‌السلام، معاویه و عثمان بن حنیف)*. (رساله دکتری)، دانشگاه کاشان، گروه زبان و ادبیات عرب، کاشان، ایران.
- کیخا، ناهید و بهروزی، مجتبی (۱۳۹۸). «ناسازواری کلامی در نهج‌البلاغه»، *پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین و در حوزه زبان و ادبیات ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی)*. تهران: خانه فرهنگ مشارکتی ایران: https://www.civilica.com/Paper-MTCONF05-MTCONF05_129.html.
- میراحمدی، سیدرضا؛ نجفی ایوکی، علی و لطفی مفرد، فاطمه (۱۳۹۷). «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتاری سرل»، *فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه*. ۵(۱۹)، ۱۷-۱.
- نیازی، محسن (۱۳۹۰). «روش‌های پژوهش تلفیقی، جنبش سوم روش‌شناسی در علوم اجتماعی»، *نشریه مطالعات اجتماعی ایران*. ۵(۲)، ۱۸۴-۱۶۰.

های، کالین (۱۳۸۵). *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی* (احمد گل محمدی، مترجم). تهران: نشر نی.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹). *سیاست* (عبدالرحمن عالم، مترجم)، تهران: نشر نی.
یوسفی رامندی، رسول (۱۳۹۷). «الگوی رفتار رأی‌دهی مردم در انتخابات جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر رویکرد بازاریابی سیاسی»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی*. ۱۴(۲۸)، ۶۳-۹۵.

- Levinson, S. C. (1983). *Pragmatics*. Cambridge, Cambridge University Press.
Levinson, S. C. (1997). *Pragmatics*. Cambridge University press, New York.
Searle, J. R. (1983). *Intentionality*. Cambridge: Cambridge University Press.
Searle, J. R. (1999). *Speech Acts: An in the Philosophy of Language*. New
Vershueren, J. (2003). *Understanding Pragmatics*. London: Arnold.
York and Melbourne: Cambridge University press.
Yule, G. (1996). *Pragmatics*. New York, Oxford University Press.

